



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۹۰

مصادف با: ۲۰ ربیع الاول ۱۴۳۳

جلسه: ۲۱

موضوع کلی: اعجاز قرآن

موضوع جزئی: جاودانگی اعجاز قرآن

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

نتیجه بحث گذشته این شد که مسئله اعجاز قرآن از آیات مشتمل بر تحدی قابل استفاده است. در آیات تحدی اثبات شد که دیگران نمی‌توانند حتی سوره‌های مثل سوره‌های قرآن بیاورند و فرقی هم بین سوره‌های کوتاه و بلند نیست؛ چون تحدی به کل قرآن، به ۱۰ سوره و حتی به یک سوره هم در قرآن آمده است لکن در مورد کمتر از یک سوره مثل یک جمله از قرآن از آیات تحدی چیزی استفاده نمی‌شود؛ یعنی در قرآن مبارزه طلبی و هم آورد خواهی به یک جمله از جملات قرآن نشده و مثلاً در آیه‌ای از آیات قرآن نیامده هیچ کس نمی‌تواند حتی یک جمله مثل جملات قرآن بیاورد.

### جاودانگی اعجاز قرآن

بحث دیگری که در رابطه با اعجاز قرآن مطرح است مسئله جاودانگی اعجاز است. مهمترین وجه اعجاز قرآن جاودانگی آن است که از آن به معجزه خالده تعبیر می‌شود. به طور کلی نبوت محتاج معجزه است؛ یعنی کسی که ادعای نبوت دارد باید برای نبوت و پیامبری خود معجزه‌ای داشته باشد. اینکه حقیقت معجزه چیست و چرا پیامبر باید معجزه داشته باشد بحثی مفصل را می‌طلبد که باید در جای خودش به آن پرداخته شود لکن اجمال آن این است که معجزه یک امر خارق عادت و فوق طبیعت است؛ یعنی کاری است که به حسب عادی و طبیعی مردم از انجام آن ناتوان و عاجزند و بر هر پیامبری لازم است که معجزه داشته باشد. البته اینکه معجزه باید در آغاز نبوت و به همراه ادعای نبوت باشد و یا صرفاً در مقام اثبات نبوت در مقابل کسانی که شبهه دارند ارائه می‌شود مورد اختلاف است که آیا ضرورتاً هر پیامبری باید در ابتدای نبوتش کارش را با معجزه شروع کند یا نشان دادن معجزه مربوط به زمانی است که کسی مطالبه معجزه را بکند و یا در صدق ادعای نبی شبهه داشته باشد که در مقابل کسانی که شبهه دارند پیامبر باید معجزه بیاورد؟ در اصل ضرورت اینکه پیامبران باید معجزه داشته باشند بحثی نیست لکن در این میان تفاوتی بین معجزه نبی مکرم اسلام و معجزات سایر انبیاء وجود دارد و آن جاودانگی معجزه پیامبر اکرم (ص) است. انبیاء دیگر هم معجزه داشته‌اند ولی معجزه هیچ کدام از آنها جاودانه نبوده و معجزه آنها محدود به زمانی خاص بوده و این گونه نبوده که جاودانه و همیشگی باشد.

نبی مکرم اسلام بر خلاف سایر انبیاء چون خاتم پیامبران بوده و دینی که آورده اکمل ادیان بوده و قرار بر این بوده که بعد از دین اسلام دینی نباشد و پیامبری هم بعد از حضرت رسول اکرم (ص) نباشد، بنابراین معجزه‌ی پیامبر (ص) باید جاودانه و

همیشگی می‌بود، ادیان سابق نسخ شدند و همیشگی نبوده‌اند و بدیهی است که ضرورتی برای جاودانه بودن معجزه آنها نبوده است اما معجزه دین اسلام باید جاودانه می‌بود چون دین اسلام ناسخ ادیان گذشته بود و قرار نبود که بعد از آن دینی بیاید، تنها چیزی که این قابلیت را داشته که یک معجزه جاودانه باشد کتاب است و گرنه هر عملی، فعلی و قولی ولو اینکه خارق عادت و طبیعت باشد بالاخره زمان آن بسر می‌آید و تمام می‌شود و نهایت چیزی که در مورد آنها امکان دارد این است که برای آیندگان نقل می‌شود. پس تنها چیزی که قابلیت دارد معجزه جاودانه باشد چیزی از جنس کتاب است البته ما این را عرض خواهیم کرد که وقتی سخن از اعجاز به میان می‌آید آیا این اعجاز فقط باید در همان عصر باشد؛ یعنی عمل به گونه‌ای باشد که مردم همان عصر از آوردن مثل آن عاجز باشند یا اینکه همه اعصار باید از آوردن مثل آن عاجز باشند؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود معجزه حضرت عیسی (ع) زنده کردن مردگان است آیا مختص همان عصر بوده یا همه اعصار و زمان‌ها را شامل می‌شود و یا در مورد قرآن که می‌گوییم معجزه است آیا وجه اعجاز قرآن این است که فقط مردم همان عصر نمی‌توانستند مثل آن را بیاورند یا مردم همه اعصار از آوردن مثل قرآن عاجزند؟

اگر بگوییم معجزه عبارت است از کاری که خارق عادت و مافوق طبیعت است باید به گونه‌ای باشد که نه تنها مردم همان زمان بلکه مردم همه اعصار الی یوم القیامة از آوردن کاری شبیه به آن عاجز باشند. بر این اساس قرآن به عنوان یک کتاب، معجزه جاویدان نبی مکرم اسلام است. اینکه می‌گوییم معجزه جاویدان است به این خاطر است که این کتاب تا روز قیامت باقی است و تا روز قیامت کسی توانایی آوردن مثل آن را ندارد. پس خلود و جاودانگی اعجاز قرآن این است که منحصر به عصر و زمان و مردم خاصی نیست و آیات متعددی از قرآن هم دلالت بر جاودانگی اعجاز قرآن دارند که ما به چند آیه اشاره می‌کنیم:

### آیه اول:

آیه شریفه: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»<sup>۱</sup> در این آیه بیان می‌شود که قرآن به عنوان منذر برای همه عالمیان نازل شده، وقتی گفته می‌شود قرآن، منذر برای همه عالمیان است، عالمیان شامل همه انسان‌ها از اول تا آخر می‌شود و اینکه گفته می‌شود قرآن معجزه است و دیگران از آوردن مثل آن عاجزند نه تنها شامل مردم عصر پیامبر (ص) بلکه مردم بعد از آن زمان و قبل از زمان پیامبر (ص) را هم شامل می‌شود.

### اشکال:

درست است که عالمیان ظهور در اولین و آخرین دارد و شامل همه انسان‌ها می‌شود لکن انصراف پیدا می‌کند به خصوص موجودین در آن زمان؛ یعنی منظور از اینکه آیه می‌فرماید «لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» این است که قرآن منذر همان انسان‌هایی بوده که در عصر پیامبر (ص) موجود بوده‌اند؛ یعنی مردم آن زمان نمی‌توانستند مثل قرآن را بیاورند اما آیه دلالت ندارد بر اینکه مردم بعد از آن عصر هم نتوانند مثل قرآن را بیاورند و شاهد بر این مطلب هم آیه شریفه: «وَاصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ

۱. فرقان/۱.

الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> است که خطاب به حضرت مریم می‌فرماید: ما تو را از میان زنان عالم برگزیدیم. اینجا قطعاً منظور آیه برگزیدن حضرت مریم نسبت به همه زنان عالم از اول تا آخر نیست؛ چون به دلایل متقن و قوی حضرت فاطمه زهرا(س) سیده نساء العالمین است و بر همه زنان عالم برتری دارد بنابراین حضرت فاطمه(س) بر خود حضرت مریم هم برتری دارد پس منظور از عالمین در این آیه شریفه همه زنان عالم از اول تا آخر نیست لذا العالمین منصرف به زنان موجود در همان عصر است در ما نحن فیه هم می‌گوییم عالمیان در آیه شریفه «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»<sup>۲</sup> ظهور در اولین و آخرین دارد ولی منصرف است به مردم همان عصر و دلالت می‌کند بر اینکه قرآن نسبت به مردم عصر پیامبر(ص) معجزه است و فقط مردم آن زمان نمی‌توانسته‌اند مثل قرآن را بیاورند. بنابراین این آیه شامل مردم همه اعصار نمی‌شود و نمی‌تواند جاودانگی اعجاز قرآن را ثابت کند.

#### پاسخ:

**اولاً:** در آیه شریفه: «وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» مراد از عالمین همان معنای اولین و آخرین است؛ یعنی در معنای عالمین هیچ تصرفی صورت نمی‌گیرد لکن اصطفاء در اینجا معنای خاصی دارد، اصطفاء؛ یعنی برگزیدن و آنچه که مهم است وجه اصطفاء است که بفهمیم وجه اصطفاء حضرت مریم چه چیزی بوده است؟ آنچه که ملاک اصطفاء حضرت مریم نسبت به همه زنان عالم حتی حضرت فاطمه زهرا(س) است داشتن فرزند بدون شوهر کردن است که هیچ یک از زنان عالم این خصوصیت را نداشته‌اند پس عالمین در معنای خودش بکار رفته و معنای آیه این است که خدا می‌فرماید ما تو را از بین تمام زنان عالم برگزیدیم لکن منظور این است که حضرت مریم از حیث اینکه بدون شوهر کردن فرزند آورده است ممتاز از همه زنان عالم شده است و روایات معتبری هم بر این امر دلالت دارد که هیچ کس در این جهت مثل حضرت مریم نبوده و نخواهد بود.

**ثانیاً:** بر فرض عالمین از ظهور در معنای اولین و آخرین به موجدین در همان زمان منصرف شود، لکن عالمین اگر در جایی انصراف به مورد خاصی داشته باشد دلیل بر انصراف در همه موارد استعمال نیست و خود مستشکل هم گویا پذیرفته که عالمین ظهور در همه انسان‌ها دارد ولی می‌گوید از این معنا به خصوص موجدین منصرف است، حال سؤال ما این است که دلیل بر انصراف چیست؟ پس در جواب دوم می‌گوییم سلمنا که امکان انصراف عالمین را به مردم عصر پیامبر(ص) بپذیریم اما این مطلب احتیاج به قرینه دارد و سؤال ما این است که قرینه بر این ادعا چیست؟ ما هیچ قرینه‌ای نداریم که عالمین را به موجدین در همان زمان منصرف کرده باشد لذا استدلال به آیه اول بر جاودانگی اعجاز قرآن تمام است.

**بحث جلسه آینده:** بقیه آیات دال بر جاودانگی اعجاز قرآن را انشاء الله در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. آل عمران/۴۲.  
۲. فرقان/۱.